



سیگار آگاه است اما همچنان سیگار می‌کشد. بنابراین چنانچه از منظر سواد رسانه‌ای به بیانات رهبری در بابینه گام دوم نگاه کنیم ارتقای سواد رسانه‌ای جامعه در کنار اتخاذ سیاست‌های رسانه‌ای هوشمندانه و مسئولانه توسط نهادهای حاکمیتی در کنار اشخاص و نهادهای غیرحاکمیتی می‌تواند زمینه شکستن محاصره تبلیغاتی دشمن را فراهم نماید.

اقدامی آقندی
به‌منظور شکستن محاصره تبلیغاتی
از ویژگی‌های رسانه‌های نوین نسبت به رسانه‌های سنتی می‌توان به کاربر و مخاطب محور بودن آن اشاره کرد. بدین معنی که رسانه‌های سنتی مخاطب داشتند مانند مخاطب رادیو ولی در رسانه‌های فضای مجازی ما کاربر داریم و فرد صرفاً دیگر مصرف‌کننده پیام نیست و می‌تواند در کنار سازمان‌ها و نهادهای، در نقش تولیدکننده اقدام به تولید و انتشار پیام نماید.
چنانچه بخواهیم مبتنی بر رسانه‌های تعاملی نوین-بصورت آقندی برای شکستن محاصره تبلیغاتی اقدام مایمیم تولید محتوا از سوی کاربران می‌تواند در این حوزه راهگشا باشد.
مقام معظم رهبری پیش از این نیز بارها در این خصوص بیاناتی داشته‌اند. ایشان در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران فرمودند: «یکی از خصوصیات ممتاز دیگر امروز، آماده بودن وسایل رساندن پیام است؛ ... خب همین فضای مجازی یک ابزار است؛ یک ابزار بسیار کارآمد برای اینکه شما بتوانید پیامتان را به اقصی نقاط دنیا برسانید، به گوش همه برسانید. این [امکان] آدبروز نبود، امروز هست.»

جایگاه شناختی و مهارت انتقادی به عنوان یکی از بخش‌های سواد رسانه‌ای مورد توجه و تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفته و از حقیقی دیگر موضوع سیاست‌گذاری‌ها موردتوجه قرار گرفته‌تا بتوان با تکمیل این- زنجیره اقدامات، زمینه شکستن محاصره تبلیغاتی فراهم شود. و البته مقدمه اجرایی‌شدن سرفصل‌ها فراهم خواهد شد.

رونق تولید می‌توان به توسعه پایدار رسید و زیرساخت‌های آن را بنا کرد. قطعاً رونق تولید و به واسطه آن توسعه پایدار بدون فرهنگ‌سازی و کار رسانه‌ای ممکن نیست. به ویژه در جهان رسانه‌ای شده امروز که هر پروژه ملی و کلانی نیازمند پیوست فرهنگی و رسانه‌ای است. شبکه‌های استانی می‌تواند نقش این پیوست را ایفا کند، و با تکیه بر مولفه‌های بومی هر استان شعار ملی امسال و شعار جشنواره امسال تولیدات استانی را برای مخاطبان محلی خود تبیین کرده و از طریق برنامه سازی در قالب ایتم‌های مختلف به فرهنگ‌سازی در این زمینه بپردازد. از این حیث و با توجه به پیوند جشنواره بیست و دوم به شعار رونسق تولید باید آن را به مثابه یک جشنواره استراتژیک در حوزه رسانه تعریف کرد و دستاوردهای آن در جهت توسعه پایدار ملی بهره برد.

جایگذاری مناسب نقش زنان در خانواده توانسته به عنوان یک کشور مسلمان الگویی مناسب از آن را ارائه دهد، لازم به توضیح است نحوه حضور زنان در سریال‌های عربی و ترکی، بی‌برویی و عدم رعایت حدود اسلامی و شرعی در پوشش و رفتار زنان بازگرا از مواردی است که ارزشمندی اسلامی این برنامه‌ها را به شدت پایین می آورد و به همین دلیل از آثار ایرانی که با حفظ حدود شرعی و اسلامی ساخته شده‌اند به شدت استقبال می شود.

ازدلائل موفقیت آی فیلم عربی می‌توان به دوله تمام این سریال‌ها در کشورهای عربی و توسط دوله‌های خود این کشورها یاد کرد. استفاده از صداهای آشنایی که مردم عرب زبان را به این سریال‌ها جلب می‌کند از نموده‌های حرفه‌ای سری این شبکه‌ها به‌حساب می‌آید. مقربا شنسی آی فیلم عربی سبب شده است. روی سریال‌هایی یگازده که مشترکات دینی و فرهنگی این کشورها را در نظر داشته باشد، عراق و بعد از آن عربستان، الجزایر، مغرب، مصر، لبنان، بحرین، یمن و کویت بیشترین استقبال را از این شبکه داشته‌اند. «آی فیلم عرب» و «طریقه‌ای که در جذب مخاطب پیش گرفته است الگوی مناسبی برای دیگر شبکه‌های برون‌مرزی به شمار می‌آید؛ به مخاطب محوری اصلی است که توسعه گردشگری را به همراه خواهد داشت. در دنیایی که همچنان بحث بی‌عدالتی نسبت به جامعه زنان عرب شایع است، سریال‌های ایرانی با

شخصیت‌پردازی آنها افرق آمیز است و بچه‌های فیلم، غیرواقعی هستند و از حالت عادی بسیار فراتر رفته‌اند. اما اطوارهای شبه‌روشنفکرانه‌ای که بر فیلم سایه افکنده‌اند، اخلاق گزایی و فطرت‌جویی فیلم را خنثی کرده‌اند. نمایش خانواده‌های از هم پاشیده و غفلت دشمنی و تقابل فرزندان با پدر یا مادرهایشان، سندرم شایع در سسینمای اجتماعی سال‌های اخیر است که در بسیاری از فیلم‌ها دیده می‌شود. از نظر ساختاری نیز این همه تأکید بر پنهان کاری و ارائه قطره چکانی اطلاعات و مناسبات، بالای جان «قصر شیرین» شده است. مسئله‌ای که باعث خواهد شد تا مخاطب عام از فیلم خسته شود و نتواند به راحتی با داستان فیلم ارتباط برقرار کند. طوری که روایت فیلم، شبیه پازلی است و برخی از قطعاتش مفقود است. شخصیت موثر اما غایب فیلم یعنی «شیرین» از معما فراتر رفته و به قفلی می‌ماند که کلید آن در فیلم گم شده‌است. همچنان که معلوم نیست اصلا این داستان و شخصیت‌ها چرا در آن منطقه‌ایران حضور دارند. بی‌هویتی جغرافیایی نیز معضل دیگر این فیلم است.

فضای مجازی در کنار مطالبه برای ارتقای سواد فضای مجازی مواردی همچون راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات، سالم‌سازی فضای مجازی کشور، توسعه محتوا و خدمات کارآمد و ایجاد و توسعه انواع فناوری‌ها را مطالبه می‌نمایند.
در میان مباحث مرتبط با حوزه سواد رسانه‌ای که به‌عنوان عوامل محیطی از آن یاد می‌شود موضوع دسترسی و سیاست‌های رسانه‌ای دو موضوع بسیار مهم می‌باشد.

رهبر معظم انقلاب در فصل دوم با عنوان اخلاق و معنویت در این‌باره می‌فرمایند: «بازارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدمعنویت و ضداخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این‌باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد؛ و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره پیشرو باید در این‌باره‌ها برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان‌شاءالله.»
موضوع «سیاست‌های رسانه‌ای» و تلاش در جهت طرح و برنامه‌ریزی و اجرایی نمودن برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت می‌تواند در ارتقا، گسترش و افزایش اثرگذاری سواد رسانه‌ای به‌عنوان عملی در جهت استفاده هوشمندانه از این فضای مجازی مؤثر باشد. وگرنه توجه صرف به ارتقای سواد رسانه‌ای جامعه نمی‌تواند عاملی مؤثر در استفاده هوشمندانه از فضای مجازی باشد.

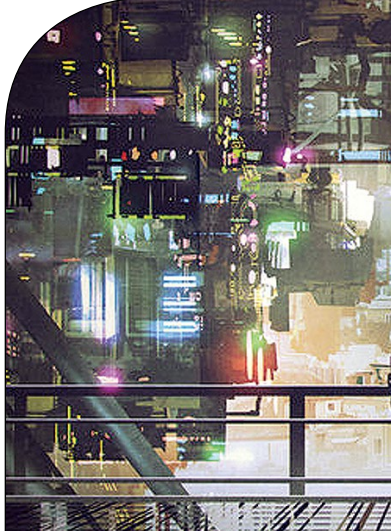
به عبارت دیگر عوامل متعددی از جمله سیاست‌های رسانه‌ای می‌تواند سواد رسانه‌ای را به خرد رسانه‌ای تبدیل کند وگرنه دانش در سطح دانستن باقی می‌ماند و منجر به بروز رفتار یا اقدام مطلوب نمی‌شود. نتیجه ارتقای سواد رسانه‌ای صرف، بدون توجه به عوامل متعددی از جمله عوامل محیطی مانند دسترسی، سیاست‌های رسانه‌ای و... مانند پزشکی است که به مضرات

شعار رونق تولید در شور جشنواره استانی

مسئله خود هم مصداق عدالت رسانه‌ای است و هم می‌تواند مرکز برگزارکننده جشنواره را در مرکز توجه رسانه‌ای به ویژه در پوشش رسانه‌ای این اتفاق قرار داده و ظرفیت‌های آن مرکز را در بازتاب‌های جشنواره‌ای برجسته‌تر می‌کند. جشنواره مراکز استانها را باید جدی گرفت تا مخاطب نیز شبکه‌های استانی را جدیدی بگیرد.
جشنواره امسال شعار «شبکه‌های استانی، توسعه پایدار و رونق تولید» را برگزیده که اگر به نسبت این سه مفهوم در این شعار دقت کنیم از نسبت بین آنها می‌توان ضرورت و کارکردهای این جشنواره را تبیین و صورت بندی کرد. با

این گونه فیلم‌ها، طی مسیر، تمثیلی از زندگی است و باید یک تحول رخ بدهد؛ سرالایی، سراسیمه، کمربندی و پیچ، دلالت‌هایی درباره فراز و نشیب‌ها و پیچیدگی‌های حیات شخصیت‌های درگیر فیلم هستند. مثل اتفاقی که در «قصر شیرین» افتاده است. سفر شخصیت اصلی فیلم، استعاره‌ای از سیر تحول اوست.
«جـال» با بازی حامد بهداد، شمایل یک آنتاگونیست را دارد؛ یک شرور منفی منفعت‌طلب که خانواده‌اش را رها کرده و حتی حاضر نیست فرزندان خود را هم ببیند، اما به ناچار، با دو بچه در یک مسیر همراه می‌شود و طی این تجربه و سفر با بچه‌ها با روی دیگری از زندگی هم آشنا می‌شود و به پالایشی نرم و کهرگم می‌رسد. بخشی از زیبایی شناسی فیلم، بر اساس تضاد و تقابل شیرینی و لطافت بچه‌ها با تلخی و زشت رفتاری پدرشان شکل گرفته است. بچه‌هایی که صدای فطرت انسانی هستند؛ پسر، قانون و غیرت را به او تذکر می‌دهد و دختر هم فراخوان اخلاق و نیکی است. کارگردان، به خوبی از بازیگران کودک خود بازی گرفته است و این از نقاط قوت بارز فیلم است، اما

زمینه شکست محاصره تبلیغاتی
مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به موضوع «سیاست تبلیغی و رسانه‌ای» دشمن اشاره نموده و از برخی از این تکنیک‌های تولید پیام توسط دشمن مانند «خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عيوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنان بزرگ» یاد می‌کنند.



البته بعد از بیان این تکنیک‌ها به موضوع «محاصره تبلیغاتی» اشاره و خطاب به جوانان می‌فرمایند «شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید».

ضرورت توجه به سیاست‌های رسانه‌ای
شاید یکی از موضوعاتی که در برخورد با موضوع سواد رسانه‌ای و سواد فضای مجازی بدان کمتر توجه شده نگاه کلان به این حوزه و ضرورت تعامل این بخش با سایر حوزه‌هاست. متأسفانه شاهد هستیم که گاه در برخورد صحیح با رسانه‌ها صرفاً به مقوله ارتقای سواد رسانه‌ای جامعه توجه می‌شود و سایر حوزه‌ها سهواً یا عمداً نادیده گرفته می‌شود.
همین نگاه کلی به این حوزه است که مقام معظم رهبری در حکم ابلاغ اعضای شورای عالی

سیدرضا میر کریمی، روزگاری از فیلمسازان مستقل خلاف جریان غالب در سینمای ایران بود که با آثار همه را شگفت‌زده می‌کرد. حتی فیلم اول او یعنی «کودک و سرباز» سرشار از تازگی و خلاقیت و معنویت بود. مسیر او با فیلم «زیر نور ماه» تکامل یافت و با «خیلی دور، خیلی نزدیک» اوج گرفت. با این حال، فیلم‌های اخیرش، طراوت و زیبایی سابق را ندارد. گویی میرکریمی هرچه به ریاست و مدیریت بیشتر نزدیک می‌شود، از هنر و خلاقیت دور می‌گردد؛ به همین دلیل هم چند سالی است که از وضعیت تأثیرگذار و جریان‌ساز به فیلمسازی تأثیرپذیر و همرنگ جماعت تبدیل شده است.

مثل فیلم «قصر شیرین» که ادامه مسیر تلخ فیلمسازی میرکریمی است؛ فیلمی متوسط و با مضمونی کلیشه‌ای و تکراری که صرفاً از نظر وفاداری به ژانر، قابل تأمل است. این فیلم بر اساس الگوی کلاسیک ژانر جادهای ساخته شده است. یکی از اشتباهات رایج این است که هر فیلمی در طول یک مسافرت اتفاق بیفتد را در ژانر جادهای دسته‌بندی می‌کنند. درحالی که در

گام دوم انقلاب و سواد رسانه‌ای

رهبر انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم مام مروزی به تجربه ۴۰ ساله انقلاب، با اشاره به گام دوم انقلاب سرفصل‌ها و توصیه‌های اساسی را در بخش‌هایی چون علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی مطرح می‌کنند اما پیش‌ازین سرفصل‌ها نکاتی را خاطرنشان می‌کنند که موضوع تحقق آن گام‌ها امکان‌پذیر نیست و آن موضوع «امید» است. سپس به موضوع سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن اشاره و از محاصره تبلیغاتی می‌گویند و خطاب به جوانان می‌گویند شما باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید.
سواد رسانه‌ای و بیانیه گام دوم
امروزه در دنیایی احاطه‌شده توسط رسانه‌ها زندگی می‌کنیم و این رسانه‌ها تأثیرات شگرفی بر حوزه‌های مختلف بشری می‌گذارند. ظهور جدید نسل جدید رسانه‌ها مبتنی بر فضای مجازی و ویژگی‌های منحصر به فرد این رسانه‌ها همچون ویژگی تعاملی بودن نسبت به رسانه‌های سنتی ضرورت توجه جدی‌تر به این حوزه را می‌طلبد.
در تعامل و استفاده از این رسانه‌ها نظریه‌ای به نام سواد رسانه‌ای مطرح‌شده که برخی از آن دانش و مهارت فردی که شامل توانایی دسترسی، استفاده، درک انتقادی و تولید پیام می‌باشد یاد می‌کنند.

یکی از ویژگی‌های مهم سواد رسانه‌ها افزایش درک انتقادی قدری در تعامل و استفاده از رسانه‌هاست؛ به عبارت دیگر دانشی است که قدرت تحلیل پیام و رسانه و ارزیابی فرد را

بیست و دومین جشنواره تولیدات مراکز استانی با هدف حفظ مخاطبان موجود و افزایش آن از یک سو و نقش آفرینی شبکه‌های استانی در توسعه کشور و حضور مؤثر در عرصه رقابت

نشده و هم منابع متنوع تولید برنامه که اگر در مسیر درست برنامه‌سازی قرار بگیرند می‌توانند شاهد خلق آثار جذابی باشند که مخاطب را راضی نگه دارند و توانمندی‌های بومی مهم‌ترین پایدار بیانجامد. البته برگزاری جشنواره به تنهایی و صرفاً نمی‌تواند عامل تعالی و شکوفایی برنامه‌های ترکیبی را بنیاد دست‌کم گرفت و صدا و سیما می‌تواند بخشی از آنست خود را با تولیدات این مراکز تأمین کند، نه فقط پر کند. هم نیروی انسانی و استعدادهای خلاق در شهرستان‌ها وجود دارند که از توانمندی آنها کمتر استفاده شده و در واقع به آنها اعتماد و فرصت لازم داده

مخاطب محوری اصلی که آی فیلم عربی را برند رسانه‌ای کرد

است؛ بطور مثال در چند سال اخیر محصولات کشور کره جنوبی در این حوزه توانسته در میان خانواده‌های ایرانی طرفداران زیادی پیدا کند، عراق گرچه کشور کره تنها به این دست از سریال‌ها که اکنون در تلویزیون ما پرتنگ شده پسند نکرده و در زانترهای مختلف و برای گروه‌های سنی متفاوت نیز به تولیدات سریالی پرداخته است و هم اکنون سریال‌های کره‌ای زیادی وجود دارد که گروه این نوجوان در همه جای دنیا از آن استقبال می‌کنند.
راز موفقیت سریال‌های کره‌ای در ایران
موج سریال‌های کره‌ای، از سال ۸۵ و با پیش فراگر، اعتقادات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم، سنت‌ها و به‌طور خلاصه کلیه موخته‌ها و عاداتی که یک انسان به‌عنوان عضو جامعه اخذ می‌کند، به عبارت ساده‌تر فرهنگ آن چیزی است که مردم با آن زندگی می‌کنند. فرهنگ از آن مردم است؛ از پیش از ۱۶۰۰ تعریفی که تاکنون از فرهنگ شده است که بگذریم و به گونه‌های بروز و ظهور آن در عصر حاضر بپردازیم، فیلم و سریال یکی گونه از راه‌های عرضه فرهنگ به دیگر ملت‌ها است؛ در دنیای کنونی که فیلم و سریال‌ها گوی سبقت را از سینما ربوده‌اند و سریال‌هایی وجود دارد که در همه جای دنیا طرفدارانی یافته

سیدرضا میر کریمی، روزگاری از فیلمسازان مستقل خلاف جریان غالب در سینمای ایران بود که با آثار همه را شگفت‌زده می‌کرد. حتی فیلم اول او یعنی «کودک و سرباز» سرشار از تازگی و خلاقیت و معنویت بود. مسیر او با فیلم «زیر نور ماه» تکامل یافت و با «خیلی دور، خیلی نزدیک» اوج گرفت. با این حال، فیلم‌های اخیرش، طراوت و زیبایی سابق را ندارد. گویی میرکریمی هرچه به ریاست و مدیریت بیشتر نزدیک می‌شود، از هنر و خلاقیت دور می‌گردد؛ به همین دلیل هم چند سالی است که از وضعیت تأثیرگذار و جریان‌ساز به فیلمسازی تأثیرپذیر و همرنگ جماعت تبدیل شده است.

مثل فیلم «قصر شیرین» که ادامه مسیر تلخ فیلمسازی میرکریمی است؛ فیلمی متوسط و با مضمونی کلیشه‌ای و تکراری که صرفاً از نظر وفاداری به ژانر، قابل تأمل است. این فیلم بر اساس الگوی کلاسیک ژانر جادهای ساخته شده است. یکی از اشتباهات رایج این است که هر فیلمی در طول یک مسافرت اتفاق بیفتد را در ژانر جادهای دسته‌بندی می‌کنند. درحالی که در



دروغ‌های بزرگ یا کوچک؟ زنان در پناه دروغ و پنهان کاری

فیلم‌هایی با درون مایه‌های تفکرات فمینیستی، بیش از نیم قرن می‌شود که بر پرده سینمای غرب می‌روند. البته در این فیلم‌ها با توجه به شرایط زمانی، تغییراتی هم به‌وجود آمده، برای مثال زمانی تصویر زنان پیرو این‌ جنبش، که به اصطلاح به دنبال حقوق برابر با مردان بودند، به‌صورت زنان خودمختار، که لباس مردانه می‌پوشند و از ازدواج و قبول جنسیت شان فراری هستند، بر پرده سینما می‌رفت ولی حالا با گذشت زمان، تصویر زنان فمینیست به‌صورت کلی به شکل موجودی در آمده که با وجود به دست آوردن موفقیت‌های شغلی، تحصیلی و... نه تنها مانند گذشته هویت جنسی‌اش را نفی نمی‌کند که بر عکس، این زنان به جز جنسیت‌شان هیچ هویت دیگری را در خود ارجح نمی‌دانند. این نوع نگاه که به نوعی تحقیر زن محسوب می‌شود، در سینما و تلویزیون غرب در چند سال اخیر بسیار پررنگ بوده است.

در هر حال فیلم‌ها و سریال‌ها با درون مایه‌های فمینیستی، همچنان جزو آثار محبوب و مورد علاقه تهیه کنندگان و نویسندگان سینمای غرب و به‌خصوص هالیوود هستند و در دهه اخیر با ورود این سیر به‌صورت جدی به تلویزیون، این نگاه و دیدهای جدید، به سریال‌ها هم کشیده شده و در حال حاضر هم به خاطر حضور بازیگران سینمایی و مشهور در تلویزیون و شبکه‌های کابلی، استقبال از این سریال‌ها بیشتر از قبل شده است. در این بین سریالی مانند «دروغ‌های کوچک بزرگ» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین آثار فمینیستی در سال اخیر، به تلویزیون آمد تا مجموعه حرفه‌های قدیمی را در قالبی مدرن به مخاطب خود عرضه کند.

شروع دروغ‌های کوچک
دروغ‌های کوچک بزرگ (Big Little Lies)، نام مبنی سرپالی است در ژانر درام، معمایی و جنایی به کارگردانی «ژان مارک ولی» و نویسندگی «یویدای کلی». محصول سال ۲۰۱۷، که پخش فصل دومش از شبکه HBO چند هفته‌ای می‌شود که تمام شده است.
داستان فصل اول «دروغ‌های کوچک بزرگ» براساس رمانی به همین نام، نوشته شده است و ماجرای زندگی سه زن را در بر می‌گیرد که تازه با هم آشنا و دوست شده‌اند. دو نفر از آنها زندگی بسیار مرفه و به ظاهر کاملی دارند ولی هر کدام به نوعی با مردانی که در زندگی آنها حضور داشته یا دارد، درگیر هستند. «سلست» (نیکول کیدمن) با همسر خود مکس مشکلات بسیاری دارد و به خاطر رفتارهای خشن و حساسیت‌های او روی خود، عذاب می‌کشد. «مادالین» (ریس ویتerspون) از همسر سابقش نیتن که او و دخترش را رها کرده، طلاق گرفته ولی هنوز با او درگیر است چرا که با زنی جوان‌تر از او به نام «بانی»، ازدواج کرده است. «جین» (شایلین ودلی) جوان‌ترین مادر این گروه است که گذشته دردناکی دارد و سال‌ها قبل وقتی توسط مردی ناشناس مورد تعرض قرار گرفته، حمله شده است و نتیجه این تجاوز، فرزندی است که مجبور است تنها او را بزرگ کند.

در واقع این سه زن، یک وجه‌اشتراک مهم با یکدیگر دارند و این وجه‌اشتراک، مادر بودن آنهاست. جین بعد از آمدن به شهر جدید و پیداکردن دوستان پشتیبانش، قصد دارد مرد متجاوز را پیدا کند و از او انتقام بگیرد و در نهایت در پایان فصل اول، هم مرد متجاوز پیدا می‌شود و هم شوهر سلست در حالی که با سلست درگیر شده بود توسط بانی همسر نیتن، کشته می‌شود. در فصل دوم هم موضوع سریال بیشتر پیرامون دروغ این زنان در مورد چگونگی مرگ شوهر سلست و درگیری با مادرشوهر سلست که برای پیداکردن مقصر مرگ پسرش به شهر آمده، ادامه پیدا می‌کنند.



فمینیست‌های اشرافی
یکی از نکات قابل توجه در سریال «دروغ‌های بزرگ کوچک»، در سطح طبقه‌ای است که داستان در آن اتفاق می‌افتد. در این سریال همه این زنان مادرائی هستند از طبقه مرفه جامعه و حتی جین به‌عنوان یک مادر مجرد هم با اینکه شغل و تحصیلات خاصی ندارد، خانه، ماشین و... دارد و امکان‌شان با وجود وضعیتش عالی به نظر می‌رسد و این مشخص می‌کند که خانواده‌ای مرفه پشت او هستند. به خاطر همین هم طبیعی است که مخاطب در این سریال با داستانی از جنس مردم عادی و مشکلات عادی مواجه نیست و به قول معروف قرار هم نیست از مشکلات مردم عادی و طبقه ضعیف چیزی به گوش این زنان و خانواده‌های شان برسد. این مسئله در دیالوگی که مادالین با دخترش در مورد بی‌خانمان‌ها دارد و رسماً می‌گوید که بی‌خانمان‌ها می‌توانند بروند به چمن! کاملاً گویای مطلب است.

در «دروغ‌های کوچک بزرگ» تقریباً همه چیز بر مبنای آزادی‌های زنان و راهایی از بندهای اخلاقی قدیمی، پیش می‌رود و نویسنده در انتهای هر دو فصل این مسئله را با آب و تاب به نمایش در آورده است. داستان فصل اول طوری به پایان می‌رسد که همسر سلست که در طول داستان به‌عنوان مردی شکاک و خشن به تصویر کشده شده است، در قسمت آخر توسط جین به‌عنوان مرد متجاوز شناسایی می‌شود و نویسنده مدال تجاوز به حقوق زنان را از همه جهات، به این مرد تقدیم می‌کند و صحنه آخر از طوری می‌چیند که تمام زنان داستان برای نجات سلست با این مرد روانی درگیر می‌شوند و در نهایت او را می‌کشند و پیروز می‌شوند... در انتهای فصل دوم هم مادالین به‌عنوان زنی که مدت‌ها به شوهرش خیانت کرده، از سوی همسرش برانحی بشخیده و پذیرفته می‌شود و در عوض بانی همسر نیتن، اعلام می‌کند که در زندگی ناشویش ۹ سال‌اش هرگز به نیتن علاقه‌ای نداشته و مجموعه این اعترافات، به همراه گرفتن حق حضانت بچه‌های سلست، پایانی را رقم می‌زند که هر چند مانند فصل اول ضربه بزرگی ندارد ولی در راستای فصل اول، زنان ماجرا مردان شان را به همان چیزی که خودشان می‌خواهند، صرف نظر از اخلاقی بودن یا نبودن، هدایت می‌کنند و مردان داستان هم که علاوه‌بر بی‌تفاوتی، از ضعف شخصیت هم رنج می‌برند، راضی تسلیم خواسته این زنان می‌شوند.

مادران مقصرند
مادر بودن در ذات و فطرت زنان، مسئله مهمی است و اگر زمانی فمینیست‌ها براساس تفکرات زمان خود، هیچ علاقه‌ای به ازدواج و یا مادر شدن نداشتند و به نوعی مادر شدن را خلاف پزهای خود می‌دیدند اما در نهایت وقتی قرار است اثری فمینیستی آن هم نه در مورد جامعه اروپا که در مورد مردم آمریکا ساخته شود، هرگز یک نویسنده نمی‌تواند گزینه مادر بودن را با توجه به علاقه زنان آمریکایی به فرزندآوری از روی میز بردارد، به همین خاطر بهترین روش، به تصویر کشیدن مادرائی است که فرزند دارند ولی تمرکزشان به جای مادر بودن روی مسائلی مانند روابط جنسی شان، چشم و هم چشمی و برتری طلبی و حتی در مواردی روی شغل‌شان است.

در دروغ‌های کوچک بزرگ این نوع مادر که اخلاقی برایش در درجه آخر اهمیت دارد و در عوض امیال شخصی‌اش برایش اولویت اصلی است و در نهایت هم ضربه اساسی را به فرزندانش می‌زند، به خوبی نشان داده می‌شود. چنین شخصیت‌پردازی در حقیقت شالوده اصلی تمام شخصیت‌های زن داستان از مادالین و سلست گرفته تا جین، بانی و... را در بر می‌گیرد.

فصل اول دروغ‌های کوچک بزرگ به خاطر فیلمنامه قوی، بازی‌های عالی و بازیگران معروفی چون نیکول کیدمن و ریس ویتerspون و... با استقبال بسیار زیاد مخاطبین رزاد گرفت و جوایز بین‌المللی زیادی را نصیب خود کرد. البته فصل دوم سریال هم از نظر فم و محتوا به قدرت فصل اول بود و با اینکه حالت معمایی و تعلیق فصل اول را نداشت ولی به خاطر فیلمنامه قوی و تمرکز بر روی مشکلات زنان و مادران توانست مخاطبین خود را راضی کند.

به خاطر استقبال از فصل دوم دروغ‌های کوچک بزرگ زمزمه‌هایی در مورد ساخت فصل سوم به‌وجود آمد ولی در حال حاضر تهیه‌کنندگان این سریال اعلام کرده‌اند که فعلاً قصدی برای ادامه این سریال موفق پر مخاطب ندارند و شاید فصل دوم آخرین فصل دروغ‌های کوچک و بزرگ زنان این داستان باشد.